

تربیت اطفال غیر عادی

در شماره ۱۱ و ۱۲ سال ۱۳۱۴ مقاله‌ای راجع به تربیت اطفال غیر عادی از نظر خوانندگان گذشت و عقیده بعضی از علماء تربیت ضمن آن ذکر شد. چون موضوع مزبور یکی از مسائل مهم و مورد توجه همه دانشمندان و استادان تربیت می‌باشد و مستقیماً با سر نوشت عده زیادی از اطفال معاول و غیر عادی سر و کار دارد سزاوار است که بحث بیشتری در این زمینه بعمل آید. اینک در مقاله ذیل عقیده عده دیگر از معارف دانشمندان در مورد تربیت این زمره اطفال از نظر خوانندگان می‌گذرد:



من از نظر اطفال عقب افتاده در اجتماع که جسماً و فکراً و از لحاظ مقام اجتماعی عقب افتاده‌اند صحبت خواهم کرد. بنظر من عنوان «عقب افتاده» عنوانی تاثرانگیز و ملال آوراست زیرا طفل را بدون استحقاق در موقعیتی که شایسته وی نمی‌باشد قرار می‌دهد ولی برای طفلی که تربیت او و ایجاد تعادل در قوای وی اشکال دارد عنوانی از این آسان تر بنظر نمی‌رسد.

آنچه من می‌خواهم مورد بحث قرار دهم و با نکاتی که سایر حضار در نظر دارند متفاوت می‌باشد عبارت است از رابطه بین مدرسه و سایر مؤسسه‌هایی که با موضوع تربیت اطفال عقب افتاده سروکار دارند و بدیهی است که همه شما متوجه اهمیت موضوع می‌باشید... آزمايشها و تجربيات ما بما نشان ميدهند که کلیه اطفالی که در عداد معاولین و عقب ماندگان بشمار می‌روند تولید اشکالی مهم برای مدرسه می‌نمایند.

قبل از آنکه عیب و نقص آنها بطور مشخص تعیین گردد اطرافیان آنها بمعمول بودن و باید بودن آنها عقیده پیدا کرده‌اند.

محکمه مخصوص جوانان و اطفال ۳۵ سال است در امریکا تاسیس یافته است. این محکمه در آغاز امر با این روح و فکر شروع بکار کرد که اطفال عقب مانده باید از مجرمین رشید بالغ مجزا شده و جداگانه مورد محاکمه رسیدگی قرار گیرند. اگر می‌توانستیم بگوئیم که پس از طی مدت ۳۵ سال این نظریه عملی شده است شاید می‌توانستیم معتقد بیک موفقیت بزرگی باشیم. شاید در سراسر امریکا ۱۰ محکمه وجود داشته باشد که این نام برارنده آنها است ولی محاکم جوانان و اطفال در بعضی ایالات دیگر بهیچوجه شایسته این عنوان نمی‌باشند. در تمام مملکت ما هنوز محاکمی وجود دارند که مانند ۳۵ سال قبل یا اطفال مانند مجرمین رشید بالغ معامله می‌کنند. اطفال بزرگان کسب می‌کردند، و مانند اشخاص بزرگ تحت محاکمه واقعی قرار می‌گیرند ولو اینکه محکمه مربوط اسماً «محکمه اطفال» نامیده شود. و ما هنوز از حقیقت معنی و مفهوم «محکمه اطفال» فرسنگها دور هستیم.

در آغاز امر انتظار میرفت محکمه اطفال کاری برای آنها انجام خواهد داد، تصور میشد دولت در تعلیم و تربیت آنها جای پدر و مادر را خواهد گرفت. در طی تکامل محکمه اطفال این فکر و عقیده متدرجا در مغز ما رسوخ یافته است. در عین حال مدارس معروض تکامل شده و همانگونه که عامل تربیت شناخته می‌شوند مقام يك مؤسسه و عامل اجتماعی را نیز پیدا کرده‌اند و این دو قول را - تربیتی و اجتماعی - دوش بدوش هم بسوی تکامل می‌برند.

بعضی افراطیون هستند که معتقدند کلیه اقدامات در مورد اطفال غیر عادی باید از ناحیه مدرسه بعمل آید. البته متقابلا اشخاصی نیز وجود دارند که میتوان گفت در این موضوع بطرف تفریط رفته‌اند و اعتقاد آنها بر این است که تمام مسئولیتها باید از دوش مدارس برداشته شده بدوش محاکم اطفال تحمیل گردد، چوب قانون برقرار سر طفل نگهداشته شود و بدین ترتیب از ایجاد بی انتظامی در مدارس جلوگیری بعمل آید. ولی خوشبختانه عده بیروان این عقیده روز بروز کمتر از سابق میشود.

اقداماتی که مدرسه برای تعلیم و تربیت اطفال عقب افتاده باید بعمل آورد بایستی دارای جنبه قضائی و عملی و مبنی بر فلسفه کلی تعلیم و تربیت باشد. در موضوع تشخیص نقطه ضعف در وجود اطفال برای اقدامات و فعالیت های مدرسه حدودی نمیتوان قائل شد. آنچه در این زمینه بیشتر اهمیت دارد عبارتست از نظریه و طرز عمل معلمین و آموزگاران در مورد اطفال غیر عادی. باید گفت مسئولیت تربیت این قبیل اطفال بیشتر از هر کس به عهده مدرسه و معلمین مدرسه است.

روابطی که باید بین محکمه جوانان و مدارس برقرار باشد متضمن کلیه امور اجتماعی و اصول تربیت عمومی است. رابطه مزبور در بعضی موارد قرین موفقیت بوده و در موارد منجر به عدم موفقیت گردیده و در بسیاری نقاط مشاهده می‌شود که محکمه جوانان و مدارس در صدد اشتراك مساعی نبوده و باهم کار نمی‌کنند. بطور کلی علت اصلی فقدان اشتراك مساعی بین این محاکم و مدارس فقدان توازن و تعادل بین آنها است یعنی یا مدرسه مراحل زیادی از تکامل را پیموده و از محاکم گوی سبقت را ربوده و یا بالعکس محاکم از لحاظ تکامل ما فوق مدارس فرار گرفته‌اند، در بسیاری از موارد تفاهم واقعی بین آنها وجود ندارد و می‌توان گفت نه مدرسه نه محکمه و نه جامعه هنوز نمی‌دانند که برای اطفال عقب افتاده چه اقدامی باید بعمل آورند...

مثلا مدرسه غالبا شکایت دارد که محکمه برای اجرای نظم و دیسپلین با آن اشتراك مساعی نمی‌نماید...

از طرف دیگر ممکن است محکمه اصل منظور مدرسه را از انتظام و دیسپلین درک ننماید...

یکی از مسائل مهم که من شخصا به آن علاقه دارم اینست که اداره کل معارف رابطه معنوی بین محکمه و مدرسه برقرار سازد و این قضیه را مورد مطالعه قرار دهد. این مطالعه

ممکن است وضعیت بین کایه عمال را روشن تر سازد و ممکن است مدرسه و محکمه بتوانند بدینوسیله بحل مسائل مخصوصی نائل گردند، وظائف خود را بدانند و برای ایجاد پروگرام مشترکی سعی و مجاهده نمایند.»

خانم وینی فورد هاناوای معاون انجمن ملی جاوگیری از کوری در ضمن خطابه خود در تصریح يك نکته تاكيد داشته و متذکر شدند که فعالیت اداره کل معارف و سایر مؤسسات دولتی و ملی و محلی و طبیبی و اخلاقی و علمی تنها نباید در اطراف این موضوع دور زند که فلان طفل چه عیب و نقص یا چه موهبت خاصی دارد. بلکه مهمترین وظیفه این مؤسسات عبارتست از پیدا کردن سهلترین و عملی ترین راه برای اینکه هر فرد از اطفال غیر عادی بتواند حد اکثر استفاده را از تعلیم و تربیت نموده و تا آنجا که ممکن است در هر رشته پیشرفت نماید.

اداره کل معارف باید نفوذ خود را برای تربیت معلمین نگار برد که حوایج اطفال غیر عادی را تشخیص داده و بدانند با آنها چگونه باید معامله کنند. باید این معلمین با اصول و معیاری حفظ الصحه و مسائل اجتماعی و تربیتی آشنا باشند و برای این کار باید دوره درسهای مخصوصی برای آنها در نظر گرفته شود. باید در مدارس برای اطفال غیر عادی کلاسهای مخصوصی بر حسب احتیاج این اطفال تشکیل گردد.

خانم هاناوای در قسمت دوم خطابه خود راجع باینکه آیا اداره کل تعلیمات چگونه می تواند مساعدتی به نابینایان و اطفالی که مبتلا به ضعف باصره هستند بنماید، اظهار داشت با همه مساعی و مجاهداتی که برای مساعدت اینگونه اطفال بعمل آمده هنوز نمی توانند از وسائل عادی و معمولی که در دسترس آنها گذاشته می شود کوچکترین استفاده را بنمایند زیرا ضعف بصر مانع آنها است ولی از مدرسه مخصوص کورها باوسائلی که برای این زمره تهیه شده بیش از حد معمول استفاده می نمایند. از طرف دیگر نجات اشخاص مبتلا به ضعف بصر از کوری قطعی لزوم يك سلسله تحقیقات مشترکی را ایجاب مینماید....

یکی از کارهای مشکل ما که در اینجا اجتماع نموده ایم این است که علاوه بر تعیین يك سلسله کار های مناسب و درخور اشخاصی که مبتلا به ضعف بصر بوده و می توان گفت نیمه نابینا هستند ترتیبی فراهم سازیم که این کار اعاشه آنها را از هر جهت تأمین نماید. باید آنها را برای تصدی این قبیل کارهای مناسب تربیت نمود. هر روز که بر ما میگذرد بر اهمیت این مسئله افزوده می شود.

یکی دیگر از کارهایی که باید انجام شود این است که اگر اداره کل تعلیمات خود را صالح بداند تعیین نماید چه نوع اطفالی باید به مدرسه مختص کورها اعزام شوند. در نتیجه مساعی و مجاهدات طبیبی و تربیتی هر روز از عده اشخاص کورگاسته می شود و متأسفانه بعضی مدارس مخصوص کورها چون مشاهده می کنند عده محصلین آنها رو به نقصان می رود

اطفال نیمه نابینا را در جزء اطفال کور بمدرسه می پذیرند؛ این روبه برای هر دو دسته زیان بخش است.

مدرسه کورها مختص اطفالی است که بکلی فاقد قوه باصره بوده و مجبورند بوسیله قوه لامسه چیزی را ادراک کنند و خواندن بیاموزند. اینمدرسه باید مطابق احتیاجات آنها اداره شود مجالست دائمی اطفال نیمه نابینا با کورها و بتقلید آنها پرداختن بقوه لامسه از پیشرفت آنها در قسمت باصره جلوگیری مینماید...

اگر اداره کل تعالیمات تمام احتیاجات طبی و فنی و صحنی را که در سایر مدارس معمول است در مدرسه کورها نیز مرتفع سازد و وسیله تحقیق و معاینه کامل بدست اطباء حاذق بدهد که مرتباً این اطفال را تحت نظر و مراقبت خود قرار دهند شاید در میان آنها اطفالی یافت شوند که اعاده قوه باصره در آنها بوسیله جراحی امکان پذیر باشد و بدینوسیله خدمت مهمی به عالم انسانیت خواهد شد.

از طرف دیگر برای مساعدت اشخاصی که در ایالات و ولایات دور از مرکز بسر میبرند و مبتلا بضعف قوه باصره میباشند بهتر است اداره کل تعالیمات دستور دهد عموم کتبی که بدست آنها میرسد با حروف بسیار درشت برای آنها بیچاپ برسد که قرائت آنها باعث آزار و زحمت این اشخاص نگردد.

ولی بزرگترین خدمتی که اداره کل تعالیمات برای تمام اطفال کشور می تواند انجام دهد اینست که از کلیه وسایل و تدابیر ممکنه طبی استفاده نموده و آنها را برای جلوگیری از ابتلاء اطفال بضعف قوه باصره بکار برد. برای زندگانی مدرسه آنها محیطی ایجاد نماید که صحت آنها را تامین کند و اصول حفظ الصحه را آنگونه که باید با اطفال بیاموزد تا بدین نحو دیگر کسی مبتلا بضعف بصر نگردد و این قضیه ازوم تشکیلات جداگانه ای را برای مساعدت مبتلایان بضعف باصره ایجاد ننماید.

۴ - بقلم البرت ۱۰ گروور رئیس مدرسه کورها در پنسیلوانی

تأثیر و اندوه درونی و اضطراب فکری ملازم زندگانی اشخاص کر میباشد. این عده پیوسته بامسائل و معامهای غیر طبیعی و لاینحل مواجه می گردند که آسایش و فراغت را از آنها سلب مینماید.

هیجان دائمی، فکر تیز و افکار هیجان آمیز از مختصات آنها است. تحریک آنها با آسانی صورت پذیر نیست ولی اوضاع جدیدی در مقابل آنها پیدا میشود، آزمایشهای جدید و تازه در آنها تولید اختلال می کند، و مخترعات تازه باعث تحریک آنها میشود و بالتبقیه وضعیتی برای آنها پیش آمده که از تشریح احساسات خود عاجزند، مشکلات خود را نمیتوانند درست توضیح دهند؛ البته این قضیه جدید ایجاد اعجاب و شگفتی برای ما می نماید زیرا خود ما نیز درمرض انقلاب و تشویش قرار می گیریم. ولی باین انقلاب و تشویش يك نقص جسمی و بدنی میفرزاید باز زندگی سنگین تر و ادامه حیات سخت تر می شود.

اشخاص کر بخوبی باین وضعیت واقف میباشند و اگر راهی در جلو پای آنها گذاشته شود و دستگیری از آنها بعمل آید حاضرند از آن استفاده کرد. معلمین و مربیان اطفال کر و میتالایان ببقول سامعه مترصد آن هستند که با آنوجهات بیشتری که درباره این اطفال معطوف خواهد گردید و سائلی که برای کمک آنها تعبیه شده پیوسته کاملتر گردد. کسانی که از نزدیک با تربیت اطفال کر و ناشنوا سرو و کار دارند شروع دوران جدیدی را تصدیق می کنند. این دوره وسیله مستقیمی بدست معلمین اطفال مزبور میدهد. هنگام مواجهه با این وسیله و فرصت باید در طرق و سائلی که برای انتظام کلاسها بکار میبردیم تجدید نظر نمائیم روش سابق خود را در مورد این اطفال مورد نامل قرار دهیم و پروگرامها را بطوری تجدید و اصلاح نمائیم که منطبق با شرایط تمدن صنعتی عصر حاضر باشد. اداره کل معارف امریکا برای این بوجود آمده است که در حل این گونه مسائل فعالیت مثبتی ار خود ابراز دارد. در شعبات این اداره مردان و زنان لایق و دانشمندی بر راس امور تربیتی قرار دارند و این اداره باید تمام مساعی خود را برای انجام منظور و مقصود فوق بکار برد. این اداره دارای دوائز و کمیتههای مختلفی میباشد که همه بر روی اساس مسائلی که در دائره تالیفات دور میزند مشغول ابراز مساعی هستند و برای قوای ملی، دولتی و تربیتی بمنزله تصفیه خانه ایست که از تجدید و ترکیب این قوا نیروی جدید و مهمی برای اشتراک مساعی میدهد بیاورد. اداره کل معارف در جریان طبیعی فعالیتهای خود برای انتشار کلیه اطلاعات تربیتی از هر طبقه و هر نوع که باشد اقدامات مؤثری بوسیله اشخاص صلاحیت دار بعمل آورده و بدین نحو قدر و اهمیت و ارزش فعالیتهای مشترکی را که در این راه مبذول میگردد روشن و واضح ساخته است. باهؤسسات مختلف برای جمع آوری و تنظیم و انتشار اطلاعات و مسائل مربوطه بفعالیتهای تربیتی صنعتی و اجتماعی در مورد اشخاص کر و ناشنوا اشتراک مساعی مینماید و بهترین یاور و معاون آن در اجراء این منظور عالی عبارتست از « اداره انتشار اطلاعات راجع باشخاص کر. » در هیچ جای دیگر نمیتوان بتحصول این اطلاعات مفید و جامع راجع باطفال و اشخاص کر موفق گردید و چنین اطلاعات روشن و قطعی و قابل انتشار و فوری بدست آورد.

فعالیت های اداره کل معارف امریکا باید دارای جنبه کلی و عمومی باشد زیرا نوع تشکیلات این اداره و نوع کاری که باید انجام دهد لزوم این کلیت را اثبات مینماید. با اینجهت وقت طرح نقشه در جزئیات امور برای آن باقی نماند و طرح نقشه راجع باین جزئیات از وظائف کمیتهها و کنفرانسها می باشند. با اینجهت من با طرح کلیات مسائلی که ممکن است مورد توجه اداره کل معارف باشد نکات ذیل را پیشنهاد مینمایم:

از نظر فلسفی:

اطفال کر باید در زیر دست معلمین کار آگاه و لایق تربیت شوند و نوع تربیت آنها باید بر حسب احتیاجات روحی و جسمی آنها باشد.

برای اجراء این منظور طرق ذیل پیشنهاد میشود :

۱ — اداره کل معارف ممکن است بوسیله کنفرانسهای ملی و دولتی احتیاجات تربیتی و جسمی اطفال کردار تعیین نماید در چند رشته از رشته های تربیت پروگرام های مناسب و کافی تهیه نماید و کلیه مدارس و مؤسساتی را که با اطفال کر و ناشنوا سروکار دارند و ادار نماید که این پروگرام ها را بمنزله راهنما و مقصد نمائی خود تلقی کنند تا بدینوسیله تمام اطفال کر وسائل کافی برای تخصص و تربیت در دست داشته باشند . و هر قدر از لحاظ جسمی و اجتماعی نشو و نما می کنند راهبر و راه نمائی در پیش روی خود می کشند .

۲ — باید مدارس را و ادار نماید که فن نطق و بیان را بهترین طرز به شاگردان و محصلینی که از نعمت سامعه محرومند یاد بدهد ،

۳ — باید مدارس را مازم با انتخاب معلمین صالحی بنماید که دارای اطلاعات و تجربیات کافی در فن تربیت اشخاص کر میباشد زیرا جز بدست معلم و آموزگار صالح به هیچوسیله دیگری تربیت يك بچه کر و ناشنوا ممکن نتواند بود .

۴ — برای اشخاص بانگ که از نعمت سامعه محرومند کلاسهای عصرانه و کلاس های دیگری دائر نماید که این اشخاص در موقع فراغت بتوانند در آنجا بتحصیل بپردازند .

۵ — راجع باستعداد و قریحه و توانائی اشخاص کر که در مدارس تربیت صحیح و کافی یافته اند ، اطلاعات دقیق و کافی بین عامه مردم منتشر سازد و بآنها بفهماند که این اشخاص برای انجام يك سلسله کار های معینی تربیت شده اند که بدون قوه سامعه میتوانند بنحو احسن امور را انجام دهند تا بدین وسیله درب کار بروی این عده باز شود .

از نظر حرفه و کسب :-

تمام اطفال کر باید تحت نظر معلمین صالح و لایق با انواع کار های دستی آشنا شوند . برای اجراء این منظور وسائل ذیل پیشنهاد میشود :

۱ — اداره کل معارف باید کلیه مدارس را که دارای کلاس مخصوص برای اطفال کر میباشد و ادار نماید که با تشکیل شعبات مخصوص صنعتی دقیق صنعت را با اطفال بیاموزد و این نکته مخصوصا باید در مدارس روزانه مراعات شود .

۲ — باید کلاسهای شبانه و سایر کلاسهای مخصوص را و ادارد که با اشخاص کر و بیکار حرفه و صنعتی بیاموزند .

۳ — باید تمام مؤسسات را و ادار به تهیه شغل برای اشخاص کسر نماید . آلمان کارفرما را مازم و مجبور نموده است که با نسبت معین عده ای از کارگران خود را از میان اشخاص کر انتخاب نمایند و این نقشه مفید بنظر میرسد زیرا بکنفر شخص کور که حرفه و کاری در پیش دارد برای کشور خود موجودی زنده خواهد بود . اداره کل معارف باید با کلیه مؤسسات مربوطه دیگر اشتراك مساعی نموده و نظریات و افکار عمومی

را مبنی بر عدم استقبال از استخدام اشخاص کر نفعیر داده و رغبت استخدام مبتلایان به نقل سامعه را در بین مردم ایجاد نماید . در میان اشخاص کر کسانى بافت میشوند که از لحاظ توانائی و استعداد بر بسیاری از اطفال عادى برترى و امتیاز دارند .

از نظر اجتماعى :-

گروه کرها بواسطه این نقصان بدنى از بسیاری فعالیت های اجتماعى بجز بعضى امور که مختص آنها بوده و بوسیله خود آنها فراهم شده محروم مانده اند . برای رفع این نقیصه پیشنهادات ذیل عرض میشود :

۱- اداره کل معارف بهتر است نفوذ و توانائی خود را برای انتشار اطلاعات مفیده در ضمن مجله ها و انتشارات مخصوص هفتگی و ماهیانه راجع باین اشخاص بکار برده و این مطبوعات را در دسترس عامه مردم ، والدین اطفال کر قرار دهد .

۲- باید بوسیله کنفرانسها و مجلات بکانهضت ماى عمومى بین والدین اطفال خرد سال کر یدید آورده آنها را تشویق بمراقبت و مواظبت صحى اطفال بنماید و وادار با استفاده از بهترین وسائل علمى کند .

۳- باید مساعى خود را بکار برده و وحدت نظر کافى بین کلبه مؤسسانى که با تربیت اشخاص کر سر و کار دارند برقرار سازد و کلبه اختلاف نظر های تربیتى را که جز تضییع وقت و زحمت قابدهای بر آنها متصور نیست در بین دستجات مختلف تربیتى مرتفع سازد .

تعلیمات مختلط در تر کیه

برنامه جدیدى برای مدارس ملى و مدارس ششماهه روستائى ، در تر کیه بتصویب رسیده و از سال جارى بموقع اجرا گذاشته خواهد شد .

در این برنامه ساعاتى برای تدریس موادى که در زندگی خانوادگى مورد احتیاج است منظور شده و در ساعات مذکور ، کلاسهای مختلط از دختران و پسران ، در استماع درس شرکت خواهند کرد ،

گر چه موادى که در این ساعات تدریس میشود مستقیما مربوط بدختران است اما مخصوصا این مواد را در کلاسهای مختلط تدریس میکنند که پسران نیز از رموز تربیت اطفال و کارهای خانه داری بی خبر نباشند و ضمنا اصول اولیه خیاطى از قبیل تکمه دوزى و رفو کردن و امثال آنرا یاد بگیرند .

اقتباس از نشریات « دفتر بین المللى تربیت »